خبر

رئیس‌جمهور:

باید جهت‌گیری‌های لایحه بودجه با سند تحول همسو باشد

● **ایسنا:** رئیس‌جمهور با اشاره به دقت و جدیت اعضای هیئت دولت در بررسی و تصویب تبصره‌های لایحه بودجه در جلسات فشرده روزهای اخیر گفت: ثبات اقتصادی حمایت از تولیدکنندگان و مشارکت فعال بخش خصوصی در اقتصاد کشور و تأمین معیشت مردم محورهای اصلی و مورد توجه دولت در تصویب لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور باید باشد. سیدابراهیم رئیسی در جلسه ستاد هماهنگی اقتصادی دولت گفت: «در تدوین لایحه بودجه، جهت‌گیری‌ها و هدف‌گذاری‌ها باید به سمت تحقق و رعایت محورهای مدنظر مقام معظم رهبری در اصلاح ساختار بودجه باشد». او بیان کرد: «با توجه به تهیه سند تحول، لازم است محورها و جهت‌گیری‌های لایحه بودجه با این سند همسو باشد».

آیت‌الله نوری‌همدانی خطاب به نمایندگان:

مردم را دریابید

● **شرق:** آیت‌الله نوری‌همدانی از مراجع تقلید قم در دیدار نمایندگان مجلس، خطاب به آنها و دولت گفتند که توجه به مردم امروزه باید بیش از این باشد. این سخنان در حالی است که حدود ۴۰ روز پیش نیز آیت‌الله صافی‌گلپایگانی در جریان دیدار با رئیس مجلس توصیه‌هایی درباره وضعیت معیشت مردم و همچنین روابط خارجی مطرح کردند که با واکنش اصولگرایان تندرو و یک سایت نزدیک به آنان قرار گرفته بود. این مرجع تقلید گفته بود گرانی برای مردم طاقت‌فرسا شده و درباره روابط خارجی عنوان کرده بود: باید با تمام کشورهای دنیا با عزّت و اقتدار رابطه داشته باشیم و اینکه با بسیاری از کشورها قهر باشیم صحیح نیست و به ضرر مردم عزیزمان است. این سخنان با واکنش و حمله تند سایت «رجا نیوز» مواجه شد: «بعضی دوستان، هرگاه ناخشنود می‌شوند، پای «ادب» و «ادبیات» و «اخلاق» را به میان می‌کشند و در قالب تذکر اخلاقی، «نسبت ناروا» می‌دهند. همین که کسانی نسبت به خطای بزرگ یک مرجع تقلید حساس نیستند و برآشفته نمی‌شوند». حملات این سایت باعث شد تا برخی شخصیت‌ها مانند آیت‌الله علوی‌بروجردی، آیت‌الله سیدمصطفی محقق‌داماد، آیت‌الله رضا استادی، حجت‌الاسلام حسن روحانی رئیس‌جمهور سابق، حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و... به آن واکنش نشان دهند. ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور، نیز چندی قبل تلفنی با آیت‌الله صافی‌گلپایگانی تلفنی صحبت کرد و گفت: رهنمودها و دیدگاه‌های مراجع عظام تقلید، چراغ راه مردم و دولتمردان است و این رهنمودها پشتوانه اقدامات دولت در مسیر رفع مشکلات و دغدغه‌های مردم در بخش‌های مختلف است. آیت‌الله نوری‌همدانی نیز روز پنجشنبه در دیدار نمایندگان با ایشان، در حمایت از مردم سخن گفت و عنوان کرد: «همه ما در یک نظام اسلامی به اشکال مختلف خدمت می‌کنیم. اصل نظام و هر جامعه‌ای، مردم هستند و پیامبران الهی و ادیان مختلف به مردم توجه داشتند». به گزارش ایسنا، این مرجع تقلید بیان کرد: انسان موجودی اجتماعی است، مردم در زندگی نقش مهمی در زندگی خودشان و دیگران دارند و اسلام نیز دینی اجتماعی است. هرکس هر اندازه می‌تواند به مردم خدمت کند که این ادامه راه پیامبران اسلام است. آیت‌الله نوری‌همدانی یادآور شد: در زمان پادشاهان تمام زحمات را مردم می‌کشیدند و کاخ‌ها برای پادشاهان ساخته می‌شد و به مردم هیچ توجهی نمی‌شد؛ اما امروزه نباید این‌گونه باشد و مردم باید مورد توجه باشند. انبیا و اولیا آمدند تا خدمات مردم و اهمیت وجود آنها را مورد توجه قرار دهند. فرمایشات حضرت علی و نهج‌البلاغه را در اتاق کار خود داشته باشید و آنها را سرلوحه کار خود کنید. این مرجع تقلید همچنین با اشاره به سفرهای استانی نمایندگان و رئیس‌جمهور بیان کرد: سفرهای استانی و با مردم بودن بسیار مهم است و با تواضع با مردم حرف بزنید. اگر عذری دارید، با مردم در میان بگذارید. توجه به مردم امروزه باید بیش از این باشد. ایشان یادآور شد: نباید فقط قانون وضع کرد؛ بلکه باید به دنبال آن بود و قانون را اجرا کرد. مثلا چند سال است که می‌گوییم دیرکرد حرام است و می‌گویند که در قانون تصویب شده؛ اما متأسفانه کار اجرائی در این زمینه نمی‌بینیم.

سندروم میکروفن‌های باز

افشای پشت پرده تصمیمات نمایندگان مجلس

شرق: «وظیفه هیئت‌رئیسه این است که مسیر را جوری تنظیم کند که آن چیزی که درست است، اتفاق بیفتد. ممکن است ۱۰ پیشنهاد بیاید، ولی هیئت‌رئیسه به پیشنهادی که فکر می‌کند درست است، عمل می‌کند»؛ اینها دفاعیات یا در حقیقت عذر بدتر از گناه، سیاهکلی در برابر انتقادها به سخنان پنهانی او و همکارانش برای جهت‌دهی به تصمیمات جلسه کمیسیون طرح صیانت است. ماجرا به بازبودن میکروفن این نماینده در جلسه آخر کمیسیون مشترک بررسی طرح صیانت از کاربران فضای مجازی بازمی‌گردد. میکروفنی که قرار نبود روشن باشد، اما باز مانده بود، زوایای پنهانی از نحوه عملکرد نمایندگان موافق طرح مسدودسازی اینترنت را برای اجرائی‌کردن نظرات خود در جلسه کمیسیون صیانت هویدا کرد.

لطف‌الله سیاهکلی، سخنگوی کمیسیون مشترک صیانت، در جلسه آخر این کمیسیون که در کنار موافقان طرح در تلاش بود طرح به مرکز پژوهش‌ها برگشت نخورد، با این تصور که میکروفن‌های مجلس خاموش است، خطاب به رضا تقی‌پور، رئیس کمیسیون، نحوه به‌رأی‌گذاشتن پیشنهادها را به‌گونه‌ای طراحی می‌کند که پیشنهاد مدنظرشان رأی بالاتری بیاورد. او در این بخش از جلسه می‌گوید: «اول (طرح) دومی را (رأی) بگیریم که رأی نمیاره... اولی را اول بگیری قروقمیش میان. دقت کردی چی شد؟ اولی را بگیری رأی نیاره، دومی میاره. چون دو پیشنهاد بیشتر نیست». تقی‌پور که ظاهرا ایده‌ای درباره این پیشنهاد ندارد، از سیاهکلی می‌پرسد: «الان اولی برامون بهتره یا دومی؟». بخشی از این رکورد صدای مهرداد ویس‌کرمی، دبیر کمیسیون صیانت است که می‌گوید: «این (اولی) خوبه. ما دیگه حرف از ۱۴۲ نمی‌زنیم. در سطح خودمون».

منظور ویس‌کرمی عدم به‌رأی‌گذاشتن پیشنهادی مبنی بر استفاده از

ماده ۱۴۲ آیین‌نامه مجلس است. او می‌گوید این پیشنهاد اصلا نباید به رأی گذاشته شود. این آیین‌نامه در واقع به مجلس این اجازه را می‌داد که مهلت بررسی طرح تمدید شود و از سوی دیگر این کمیسیون را موظف می‌کرد از نظر همه صاحب‌نظران ازجمله نمایندگان فعلی، نمایندگان ادوار، کارشناسان، دانشگاه‌ها، مراکز علمی-پژوهشی، دولت، بخش خصوصی، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، هیئت عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام و مجموعه‌ها و نهادهای دیگر در بررسی طرح استفاده کند. با مدیریت جلسه از سوی اعضای هیئت‌رئیسه کمیسیون، این پیشنهاد از دور خارج شد و عملا طرح به جای به شور گذاشته‌شدن در بین صاحب‌نظران، برای بررسی به مرکز پژوهش‌های مجلس عودت داده شد.

اینکه طرح در مرکز پژوهش‌ها با چه تغییراتی بازگردد مشخص نیست، اما همین که فرصت کار کارشناسی فراهم شده، یک گام به جلو است؛ البته اگر موافقان اندک این طرح غیرکارشناسی و ابتدایی، اجازه ورود نظرات کارشناسی مغایر با خواستشان را در متن نهایی در مدت محدود فعلی بدهند. در این بین، افشای فایل صوتی و مهندسی تصمیمات برای نمایندگان مجلس برای بی‌تأثیرکردن نظرات مخالفان طرح محدودسازی اینترنت، انتقادهای گسترده‌ای با خود به همراه داشته است و لطف‌الله سیاهکلی در گفت‌وگویی که با رویداد ۲۴ انجام داده، در دفاع از خود گفته است: آن روز دو پیشنهاد مطرح بود. اولین پیشنهاد این بود که طرح به مرکز پژوهش‌های مجلس ارسال شود. علت ارسال طرح به مرکز پژوهش‌های مجلس این بود که پیشنهاد دولت درباره این طرح موجب تغییراتی در کلیات و جزئیات طرح مذکور می‌شد و با توجه به اینکه هدف ما این است که نظرات دولت درباره این طرح نیز مدنظر قرار گیرد، آن را به مرکز پژوهش‌ها ارجاع دادیم تا تغییرات لازم روی طرح را در مدت ۱۰ روز اعمال کند. او در رابطه با شائبه جهت‌دهی به آرای نمایندگان مخالف پیشنهاد نیز گفته است: این جزء وظایف هیئت‌رئیسه است. وقتی می‌گوییم شفاف‌سازی یعنی همین. خود شما فکر می‌کنید اگر این طرح به کمیته‌ها می‌رفت بهتر بود یا مرکز پژوهش‌ها؟ این جزء وظایف هیئت‌رئیسه است. هیئت‌رئیسه به ترتیب تنظیم می‌کند و ارائه می‌دهد و نماینده‌ها هم رأی می‌دهند.

آنچه از دفاعیات سیاهکلی مشخص است، این است که روند رأی‌گیری یا حتی مطرح‌کردن پیشنهادها به سمتی که هیئت‌رئیسه کمیسیون مشترک صلاح دانسته است حرکت کرده و نمایندگان مخالف این طرح در اقلیتی قرار داشته‌اند که مجبور به تن‌دادن به خواست اکثریت موافق بوده‌اند. موافقانی که به صراحت می‌گویند «اولی برای ما بهتر است یا دومی». اینجا دیگر منافع عمومی مردم و کشور مطرح نیست؛ هر آنچه هست خواست و منافع قانون‌گذارانی است که در خفا تصمیمات خود را نهایی می‌کنند و از بدشانسی این بار میکروفن باز بود و اسرار مگوی آنها هویدا شده است.

معیارهای نظارتی روشن شود

ادامه از صفحه ۲

به هر حال این فضا وجود دارد و نیروهای سیاسی بعد از تغذیه از بندناف حزبی خود، مسیرشان را جدا می‌کنند و این هم از پیامدهای نبود انتخابات حزبی در کشور است. در این بین بحث‌های تئوریک هم وجود دارد که من وارد آنها نمی‌شوم، اما همین‌قدر می‌گویم که برخی می‌گویند در نظام ولایی، حزب معنا ندارد که من این دیدگاه را اصلا قبول ندارم. در همان کشورهای دموکراتیک هم که احزابی قدرتمند ایفای نقش می‌کنند، مقامات حقیقی و حقوقی‌ای وجود دارند که سیاست‌های کلی حکومت را تعیین می‌کنند؛ احزاب هم موظف‌اند در چارچوب همان سیاست‌ها کار کنند. در آمریکا اگر فردی بیاید و بگوید من یک کمونیست تمام‌عیار هستم، آن‌چنان لوله‌اش می‌کنند که تا هفت نسل بعد از او هم کسی نتواند سر بلند کند. در آمریکا هم سیاست‌های کلی ۱۰ساله تعیین می‌شود و احزاب نمی‌توانند خارج از آن سیاست‌ها فعالیت کنند. در کشور خودمان هم قانون اساسی در اصل ۱۱۰ صراحت دارد که یکی از وظایف رهبری، تعیین سیاست‌های کلی نظام است. من حتی به اصلی که اختیار رهبری را مطلقه معرفی کرده است نیز اشاره نکردم و بر اساس همین اصل ۱۱۰ می‌گویم که رهبری سیاست‌های کلی را تعیین می‌کند. پس تمام نهادها، قوا و البته احزاب باید در چارچوب این سیاست‌ها کار کنند. پس در نظام ولایی که قانون اساسی هم بر مبنای اصول اسلامی است، تعارضی میان تحزب و ولایت‌مداری وجود ندارد.

◣ برای حزبی‌شدن انتخابات باید چه کار کرد؛ اصلاح قانون احزاب، اصلاح قانون انتخابات یا اصلاح قانون اساسی؟

همان‌طور که گفتید این سه گام وجود دارد، اما من باور دارم پیش از این سه گام، اجرای قوانین فعلی است. به نظرم مرحله اول اجرای واقعی همین قوانین موجود است و اگر به نتیجه نرسیدیم باید به سمت گام‌های بعدی، یعنی اصلاح قوانین مادر و در نهایت اصلاح قانون اساسی برویم. اگر واقعا اراده‌ای وجود داشته باشد، نیازی به اصلاح قانون اساسی نیست. به یاد دارم که ما در مجلس آیین‌نامه داخلی را این‌گونه اصلاح کردیم که پس از تشکیل هر مجلسی، نماینده‌ها باید تعیین کنند در کدام‌یک از فراکسیون‌های سیاسی قرار می‌گیرند. حتی نماینده‌ها می‌توانستند بگویند در هیچ‌کدام عضو نمی‌شویم، ولی باید می‌گفتند تا ثبت می‌شد و اگر بعدش هم می‌خواستند فراکسیون‌شان را تغییر دهند و مثلا از اصلاح‌طلبی به اصولگرایی می‌رفتند، ایرادی نداشت اما این تغییر فراکسیون را هم باید اطلاع می‌دادند. این موضوع به تصویب دوسوم نمایندگان هم رسید و به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان آن را رد و استدلال کرد این شرایط خلاف آزادی‌های نمایندگان است. اگر در آن زمان قانون اصلاح می‌شد، اکنون با فراکسیون‌های شناور روبه‌رو نبودیم که یک نماینده برود در یک فراکسیون، اما برای فراکسیون دیگر رأی بدهد. در دوره‌های قبل نماینده‌ای را سراغ داشتم که از حوزه انتخابیه چپ وارد مجلس شده بود، اما در مجلس سمت راست‌گرایان ایستاده بود.

◣ بله، این موضوع برای اصلاح‌طلبان هم دردسرهای زیادی به وجود آورد؛ مشخصا وقتی فراکسیون امید در مجلس دهم تشکیل شد، تعداد درخور توجهی از امیدی‌ها به سمت فراکسیون مستقلین یا حتی ولایی‌ها رفتند و حتی گفته می‌شد رأی‌نیاوردن آقای عارف در چند دوره انتخابات هیئت‌رئیسه، نتیجه همین شناوربودن آن نمایندگان بود. جدای از این بحث برسیم به نسبت کارکرد احزاب و شورای نگهبان. آقای باهنر، بسیاری باور دارند شیوه بررسی صلاحیت‌ها از سوی شورای نگهبان باعث محدودشدن خلاقیت احزاب می‌شود؛ به‌نحوی‌که احزاب که قرار است تربیت‌کننده نیروهای سیاسی قوی باشند، مدام همه ایده‌ها و مختصات نیروهایشان را با سلیقه شورای نگهبان هماهنگ می‌کنند. این موضوع کارکرد احزاب در کشور را تضعیف نمی‌کند؟

تصور می‌کنم در اینجا با یک چاقوی دولبه مواجهیم؛ از یک طرف حق با مردم است که هرکسی را که می‌خواهند انتخاب کنند، اما از آن سو گفتیم که ژنرال‌ها باید وارد انتخابات شوند و نمی‌شود یک گروهبان بیاید و بخواهد نماینده مجلس یا رئیس‌جمهور شود. عده‌ای می‌گویند که این حق مردم است که خودشان بگویند این فرد را می‌خواهیم یا نه و هیچ نهادی نباید مانع اجرای این حق شود و نباید هیچ فیلتری جز رأی مردم وجود داشته باشد. من این نگاه را افراطی می‌دانم. قانون اساسی صراحت دارد که شورای نگهبان صلاحیت‌ها را بررسی کند. در بسیاری از نظام‌های دموکراتیک دنیا هم فیلترهایی وجود دارد. اگر فردی در آمریکا بگوید من از مواضع کمونیستی دفاع می‌کنم، شاید نگویند صلاحیت تو رد می‌شود، اما حتما با او کاری می‌کنند که از گردونه رقابت بیرون برود؛ مثلا می‌آیند یک پرونده مالیاتی از پدربزرگش پیدا می‌کنند و همان سوژه‌ای برای کنارزدن او می‌شود. از سوی دیگر واقعیت این است که بسیاری از ویژگی‌هایی که در قانون برای نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری یا نمایندگی مجلس ذکر شده است، کافی نیست؛ مثلا کفایت نمی‌کند که نامزد انتخابات مسلمان، پایبند به قانون اساسی و دارای عدم سوءپیشینه باشد و لازم است افرادی وارد انتخابات شوند که حکمرانی خوب را بلد بوده و تا درجه سرهنگی در عالم سیاست پیش رفته باشند. حالا اگر انتخابات حزبی باشد، حزب اتفاقا به کمک شورای نگهبان هم می‌آید؛ زیرا بسیاری از افراد در حزب کنار گذاشته می‌شوند. علاوه بر این، در انتخابات حزبی، احزاب می‌توانند وارد رایزنی و تعامل با شورای نگهبان شوند و بروند و بگویند ما این فرد یا افراد را می‌خواهیم معرفی کنیم، آیا اینها مشکلی دارند؟ تأیید می‌شوند یا نه؟ می‌توانیم روی آنها حساب کنیم یا خیر؟ در بسیاری از کشورها هم دادگاه قانون اساسی همین کارکرد را دارد و صلاحیت‌ها را بررسی می‌کند.

◣ زمانی با آقای دکتر هاشمی، حقوق‌دان برجسته حقوق عمومی، گفت‌وگویی درباره نوع نظارت شورای نگهبان داشتم و او می‌گفت که علاوه بر این دو نوع نظارت، یعنی اطلاعی و استصوابی که همه از آن سخن می‌گویند، یک نوع نظارت دیگر هم وجود دارد به نام انضباطی. دکتر هاشمی قائل به آن است که نظارت شورای نگهبان نه باید اطلاعی باشد که قدرت هیچ دخل‌وتصرفی نداشته باشد و نه استصوابی که اختیار رد یا تأیید صلاحیت‌ها را به صورت بی‌حدوحصر در اختیار داشته باشد؛ بلکه این نهاد باید بر اساس معیارهای مشخصی که همگان از آن آگاه باشند، نقش ناظم بااختیاری را ایفا کند که اگر ویژگی‌های نامزدها با معیارهای تعیینی همخوان بود، آنها را تأیید صلاحیت کند و اگر نه، رد صلاحیت. با این تفسیر آیا این انتظار دور از ذهنی است که شورای نگهبان معیارهای دقیقی به جامعه ارائه دهد تا تکلیف همه روشن باشد؟

من با همه نظرات جناب دکتر هاشمی موافق نیستم، اما این نظر ایشان را کاملا قبول دارم که شورای نگهبان باید ضابطه‌مند و شفاف عمل کند. بوده‌اند کسانی که در یک دوره تأیید صلاحیت شده‌اند، اما در دوره بعد صلاحیتشان رد شده است. به شورای نگهبان گفته‌ایم چه شد که این فرد که تأیید صلاحیت شده بود، صلاحیتش مورد تأیید قرار نگرفت و گفته‌اند که اعضای شورا عوض شده است. به هر حال افراد شورای نگهبان باید بر اساس ضابطه‌ای عمل کرده و یک‌سری قواعد را در بررسی صلاحیت‌ها رعایت کنند. در مجلس هر طرح یا لایحه‌ای که مورد بررسی قرار می‌گیرد، موافقان و مخالفانی دارد، اما وقتی اکثریت نسبی یعنی بیش از ۵۰ درصد رأی می‌دهند، اقلیت هم قانون را می‌پذیرد. زمانی امام از یکی از مسئولان که می‌گفت من قانون را قبول ندارم، عصبانی بودند و گفتند قانون شما را قبول ندارد. بله، من هم باور دارم که شورای نگهبان باید حدود و ثغوری تعیین کرده و شفاف مشخص کند که معیارهای نظارتی چیست تا هر فردی قبل از اینکه پرونده‌اش به شورای نگهبان برود، خود را بسنجد که وزن لازم را دارم یا خیر؟ من هم معتقدم نظارت باید ضابطه‌مند باشد و فقط به اراده اعضای شورای نگهبان متصل نباشد.

◣ راهش چیست؟ قانون‌گذاری از طریق مجلس یا نوشتن آیین‌نامه‌ای از سوی خود شورای نگهبان؟

نوشتن آیین‌نامه از سوی خود شورای نگهبان راحت‌تر است. اگر مجلس قانون بنویسد، شورای نگهبان رد می‌کند؛ زیرا می‌گوید مجلس نمی‌تواند حقوق شورای نگهبان را محدود کند که البته منطقی هم می‌گوید. بنابراین بهتر است خود شورای نگهبان آیین‌نامه‌ای بنویسد و معیارها را مشخص کند و برای محکم‌ترشدنش نیز آن آیین‌نامه را به عرض مقام معظم رهبری برساند تا تبدیل به سیاست ابلاغی شود.

◣ بحث دیگر درباره سرمایه اجتماعی سیاست است. اکنون شرایطی را شاهدیم که هم اصلاح‌طلبان و هم اصولگرایان و هم حتی افرادی که در این تقسیم‌بندی نمی‌گنجند، اذعان دارند سرمایه اجتماعی سیاست‌ورزی در ایران ریزش محسوسی داشته است. ممکن است دلایل متعددی برای این وجود داشته باشد؛ از گسترش فقر تا ناامیدی‌های سیاسی. آیا در مقطع کنونی، مردم شما کنشگران سیاسی و البته احزاب اعم از اصلاح‌طلب و اصولگرا را نماینده خود تلقی می‌کنند؟ هنوز احزاب موجود مورد اعتماد مردم هستند؟

در بحث سرمایه اجتماعی یک نکته را باید در نظر داشته باشیم؛ آنکه آرا در جمهوری اسلامی همواره استثنائی بوده است؛ از رفراندوم فروردین سال ۵۷ که بیش از ۹۸ درصد مردم رأی مثبت دادند تا عموم انتخابات‌های ریاست‌جمهوری که میزان آرا زیر ۶۰ درصد نبوده است. در همه سال‌های بعد از انقلاب میزان مشارکت در انتخابات به میزان مشروعیت نظام گره زده شد که کار درستی هم بود. اما یک واقعیت را هم از نظر دور نداریم؛ اینکه در بسیاری از کشورهای دموکراتیک مثلا حدود ۳۰ درصد واجدان شرایط در انتخابات شرکت می‌کنند و اتفاقا گفته هم می‌شود انتخابات خوبی برگزار شد. حالا برسیم به وضعیت کنونی؛ ببینید ما با دو نوع افرادی که در انتخابات شرکت نکردند مواجهیم؛ نخست افرادی که معترض‌اند و دوم افرادی که بی‌طرف‌اند و می‌گویند برای ما این فرد و آن فرد فرقی نمی‌کند. نباید اینها را ضد نظام بدانیم؛ چون هیچ‌وقت سرمایه اجتماعی تفکیک نشده است. اکنون در مواجهه با ریزش سرمایه اجتماعی نمی‌توانیم به دقت بگوییم که چه بخش‌هایی از جامعه به چه دلایلی در انتخابات شرکت نکرده‌اند که اتفاقا درخواست من از شما و همه اهالی رسانه این است که یک کار مفصل بر این موضوع انجام دهید که دلایل بی‌میلی بخش‌هایی از مردم به شرکت در انتخابات چه بوده است. به هر حال عده‌ای در این سال‌ها با مشکلات فزاینده اقتصادی روبه‌رو شدند و در شرایطی که شغل مناسب یا درآمد کافی ندارند، می‌گویند این فرد بیاید یا آن فرد برای ما چه فرقی می‌کند؟ حتما بخشی از جامعه هم به دلایل سیاسی رأی ندادند؛ مثلا می‌گویند ما می‌خواستیم به آقای الف رأی دهیم، اما او رد صلاحیت شد و بعد از او دیگر تمایلی نداریم به فرد دیگری رأی دهیم که شیوه بررسی صلاحیت‌ها هم بر ناامیدی مردم از شرکت در انتخابات تأثیرگذار بوده است. واقعیت این است که عده‌ای نامزد مدنظر خود را در انتخابات ندیدند. ما همواره گفته‌ایم شورای نگهبان باید طوری صلاحیت‌ها را بررسی کند که در نهایت همه بخش‌های جامعه نامزدهای خود را در انتخابات ببینند. در همین انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر، مشاهیری مانند آقای لاریجانی و آقای جهانگیری رد صلاحیت شدند. بد نیست یک نظرسنجی میدانی شده و مشخص شود که به‌طور میانگین چه تعداد به دلیل رد صلاحیت آقای لاریجانی یا آقای جهانگیری دیگر تمایلی به شرکت در انتخابات نداشتند؟ من یک بار یک شوخی کردم و گفتم اگر می‌خواهید مشارکت روی ۸۰ درصد برود، احمدی‌نژاد و خاتمی را تأیید صلاحیت کنید. این شوخی درست است و حتما در آن صورت شور انتخابات بالا می‌رود، اما شکاف امنیتی هم به وجود می‌آورد و مشخص است که این سخن من صرفا وجه طنز داشت و طبیعتا معنایش این نیست که من موافق آن هستم.

◣ در ماجرای بین آقای لاریجانی و شورای نگهبان، نظر شما چیست؟ آیا باید قید محرمانگی از دلایل رد صلاحیت او برداشته شود؟

به نظر من اگر نامزدی خودش اعلام کند که دلایل رد صلاحیت من را اعلام کنید، دیگر محرمانگی معنا ندارد.

◣ برای حسن‌ختام بحث یک سؤال فرضی هم می‌پرسم؛ تصور کنید خود شما در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت می‌کردید، آیا از سوی شورای نگهبان رد صلاحیت می‌شدید یا تأیید؟

واقعا نمی‌دانم.

◣ این واژه «نمی‌دانم» یعنی ممکن بود ۵۰ درصد تأیید می‌شدید و ۵۰ درصد هم رد می‌شدید.

بله خب؛ به هر حال من آن‌قدر بدی‌ها دارم که خیلی‌ها نمی‌دانند. (با خنده) می‌دانید سرمایه اصلی من چیست؟ این است که خداوند ستارالعیوب است.

روزنه

آذر منصوری دبیرکل حزب اتحاد ملت شد

سنت‌شکنی به سبک اتحاد

● **شرق:** آذر منصوری دبیرکل جدید حزب اصلاح‌طلب اتحاد ملت شد. پیش از او علی شکوری‌راد این سمت را برعهده داشت. منصوری در نطق خود در هفتمین کنگره سراسری این حزب گفت: امیدوارم این انتخاب هم بارقه‌های امید در حزب اتحاد و جامعه زنان ایران را به همراه داشته باشد و هم بتواند انگیزه‌ای برای فعالیت و پویایی بیشتر اعضای حزب در مرکز و سراسر کشور را به دنبال داشته باشد. برای برادر گرامی‌ام جناب آقای دکتر شکوری‌راد آرزوی سلامتی روزافزون دارم و خداوند را شاکرم که با توکل و امید و دعاهای خیر بی‌شمار دوستان و همراهان و زحمات کادر درمان توانستند مراحل سخت درمان بیماری را پشت سر بگذارند. می‌دانم که در ادامه فعالیت حزب نیز از هر تلاشی برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های حزب دریغ نخواهند کرد.

ایران عزیز ما در موقعیت خطیر و پیچیده‌ای قرار دارد؛ نگران رشد فزاینده شکاف‌های اجتماعی، نگرانی از رشد یأس و بی‌افقی به‌ویژه در میان نخبگان و نسل جوان و تحصیل‌کرده که بیش‌ازپیش بر نگرانی‌های آینده پیش‌روی آنها می‌افزاید و ناگفته پیداست که تداوم این روند چه مخاطرات و آسیب‌هایی را برای کشور به دنبال خواهد داشت.

بارها گفته‌ایم و باز هم می‌گوییم راهی نیست جز آنکه به‌موقع و به‌درستی دردهای مردم و ریشه‌های مشکلات کشور را ببینیم و برای کاهش آلام مردم و حل آنها از همین مردم و توان بی‌انتهای آنها کمک بگیریم. راهی نیست جز تمکین عملی به حق مردم در تعیین سرنوشت خود و به میزان‌بودن رأی همه مردم و همه سلیقه‌ها و گرایش‌های مردم و نه‌فقط اقلیتی از آحاد این کشور. نظامی مقتدر است که همه ارکان آن مقتدر باشند.

شفافیت و گردش آزادانه اطلاعات و امکان تحقق آگاهی و پرسشگری و نظارت مردم و تمکین به ضرورت‌های گردش آزادانه اطلاعات، کلیدواژه‌های اصلی مبارزه با رانت و فساد و بی‌عدالتی و ویژه‌خواری‌ها هستند. نمی‌شود شعار مبارزه با فساد داد و با اصرار بر طرح‌ها و قوانینی مانند فیلترینگ حداکثری و طرح صیانت از کاربران فضای مجازی (بخوانید محدودسازی) دسترسی شهروندان را به اطلاعات محدودتر و مسدود ساخت. برای اصلاح شیوه‌های حکمرانی نزدیک‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه‌ها تن‌دادن به‌موقع به اصلاحات است و اساس اصلاحات باور به حق مردم و دموکراسی است. برای تحقق ایرانی آباد و آزاد و ایرانی برای همه ایرانیان، باید به لوازم توسعه دموکراتیک، متوازن، همه‌جانبه و پایدار پایبند بود. باور کنیم که قرارگرفتن در ریل این توسعه خیر ملک و ملت را به دنبال خواهد داشت. ما اصلاح‌طلبیم و با وجود همه محدودیت و نقدهایی که به وضع موجود داریم، خواهان اصلاح رویه‌های حکمرانی در کشور هستیم. رویکرد و رویه ما با اعمال هر نوع خشونتی فاصله دارد، ما به گفت‌وگو و تعامل سازنده و مؤثر با همه ارکان جامعه و حاکمیت باور داریم و ایران را سربلند و قدرتمند و برای همه ایرانیان می‌خواهیم. اصلاح‌طلبان برای تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری‌ها و شیوه حکمرانی راهی ندارند جز آنکه گفتمان خود را به زبان گویای مردم و گروه‌های اجتماعی تبدیل کنند. دوری از قدرت بهترین موقعیت را برای آنها فراهم ساخته است تا بر شکاف‌ها و گسست‌های بین خود و جامعه فائق آیند و نماینده مناسبی برای مطالبات به حاشیه رانده‌شده مردم ایران باشند. از نقد به خود و طرح آن در عرصه عمومی نهراسند و بیش‌ازپیش برای کارآمدی گفتمان و تشکیلات جمعی خود تلاش کنند و حرف آخر اینکه ما فعالان حزبی و سیاسی با توجه به همه آنچه گفته شد، مهم‌ترین وظیفه‌مان را در شرایط کنونی ایران این می‌دانیم که کانون توجه و همّ و غم‌مان تقویت فعالیت‌های تشکیلاتی و حزبی باشد تا احزاب در ایران جایگاه و موقعیت بهتری پیدا کنند. هم باید احزاب کارآمدی بهتری به لحاظ کمّی و کیفی داشته باشند و هم در مجموعه خانواده اصلاح‌طلبان باید به این مسئله توجه و اهتمام بیشتری صورت گیرد. باید انسجام اصلاح‌طلبان را غنیمت شماریم و برای ارتقای کمّی و کیفی و کارآمدی بیشتر نهاد جمعی اصلاح‌طلبان تلاش کنیم و از نقش مؤثر و محوری جناب آقای خاتمی در جریان اصلاحات غافل نشویم. در حزب اتحاد در فعالیت‌های پیش‌رو، با رویکردی همدلانه بر مبنای خط‌مشی و استراتژی مصوب حزب حرکت می‌کنیم و با تعامل و گفت‌وگوهای بیشتر در همه ارکان حزب به‌ویژه همفکری‌های بیشتر با اعضا و فعالان حزب در همه استان‌های کشور تلاش خواهیم کرد که ارکان و نهادهای حزبی، پایگاه اجتماعی خود را بیش‌ازپیش تقویت کنند. ما همچنان به گفت‌وگوهای فعال و مؤثر در درون حزب، در جبهه اصلاحات، در جامعه و در حاکمیت پایبندیم و تقویت جامعه مدنی و سیاست‌ورزی حزبی را براساس این رسالت تاریخی خود می‌دانیم.

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب سیده بهناز حائری بهبهانی** فرزند سید مرتضی به شماره شناسنامه ۵۶۹ صادره از تهران در مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم بهداشتی در تغذیه صادره از واحد دانشگاهی دانشگاه علوم پزشکی تهران با شماره ۳۶۴۶ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه علوم پزشکی تهران به نشانی بلوار کشاورز، خیابان قدس ارسال نماید.

برگ سبز **خودرو سایپا 131SE** رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۵ به شماره پلاک ایران ۲۹ _ ۴۲۲ ن ۳۹ و شماره موتور M135574850 و شماره شاسی NAS411100G3473981 به نام **سید بهزاد موسوی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب نرجس نصیری** فرزند همت اله به شماره شناسنامه ۴۱۲ صادره از سوادکوه، زیرآب در مقطع لیسانس رشته علوم قرآنی صادره از واحد دانشگاهی آزاد اسلامی واحد ساری با شماره ۸۲۲۰۸۰۱۹۷۷۰۳ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری به نشانی میدان خزر، کیلومتر ۷ جاده دریا (فرح آباد)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری ارسال نماید.

آگهی دعوت از بستانکاران شرکت پشتیبانی صنایع رهیاب کارا با مسئولیت محدود (درحال تصفیه) به شماره ثبت ۲۱۶۶۰۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۵۷۹۶۰۲ (نوبت اول)

بدینوسیله در اجرای ماده ۲۱۵ قانون تجارت از کلیه بستانکاران شرکت پشتیبانی صنایع رهیاب کارا با مسئولیت محدود (در حال تصفیه) اعم از حقیقی و حقوقی دعوت می شود با در دست داشتن مدارک مثبته و معتبر حداکثر ظرف مدت یک سال از تاریخ اولین آگهی در ساعات اداری و روزهای غیر تعطیل به نشانی: اوین، خیابان درکه، کوچه اقاقیا ، پلاک ۱۰۸ مراجعه نمایند. بدیهی است شرکت در مورد هر گونه ادعای احتمالی فاقد مدارک معتبر و هرگونه ادعا خارج از مهلت فوق مسئولیتی نخواهد داشت.

مدیر تصفیه شرکت پشتیبانی صنایع رهیاب کارا با مسئولیت محدود (در حال تصفیه)